

کفایۃ الانام

فقه فارسی شیعه از قرن هفتم هجری

محمد بن حسین بن حسن رازی آبی

(زنده در ۶۳۰)

به کوشش

رسول جعفریان

(دانشیار دانشگاه تهران)



شعری

سرشناسه	رازی آبی، محمد بن حسین، قرن ۷ ق.
عنوان و نام پدیدآور	کفایة الانام (فقه فارسی شیعه از قرن هفتم هجری) //
مشخصات نشر	[مصحح رسول جعفریان].
مشخصات ظاهری	تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.
شابک	۱-۷۲۷-۲۲۴-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	فقه جعفری -- رساله عملیه -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	جعفریان، رسول، ۱۳۴۳-، مصحح.
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ک ۱۴/۹/۱۸۳ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۲۴۳۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۸۲۴۵۷



سنگ

کفایة الانام

(فقه فارسی شیعه از قرن هفتم هجری)

محمد بن حسین بن حسن رازی آبی

به کوشش: رسول جعفریان

(دانشیار دانشگاه تهران)

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۱-۷۲۷-۲۲۴-۹۶۴-۹۷۸

فهرست مطالب

مقدمه در باب جریان تفکر شیعی در ایران نیمه اول قرن هفتم هجری.....	۹
تبصرة العوام.....	۱۵
نزهة الكرام و تبصرة العوام.....	۲۵
چند یادآوری در باره تبصرة و نزهة.....	۳۵
کفایه الانام.....	۳۷
کفایه الانام و منابع فقه فارسی در قرن هفتم.....	۴۷
نتیجه گیری.....	۵۰
چگونگی آماده سازی این کتاب.....	۵۱
کفایة الانام در فقه فارسی شیعی.....	۵۳
[مقدمه مؤلف].....	۵۳
باب: حکم آبها.....	۵۴
باب: یاد کردن وضو.....	۵۶
باب: احکام جنابت.....	۶۰
باب: الحيض.....	۶۲
باب: یاد کردن احکام مستحاضه و زاج.....	۶۳

۶ / کفایۃ الانام در فقه فارسی از نیمه اول قرن هفتم هجری

باب: یاد کردن غسلها سنت	۶۴
باب یاد کردن تیمم	۶۵
باب: یاد کردن بستن مردگان و کفن کردن و در گور نهادن	۶۶
باب: ادب گرماوه شدن و جامه پوشیدن	۷۱
باب: یاد کردن پاک گردانیدن خانه از نجاست	۷۳
کتاب الصلوة	۷۳
باب یاد کردن اوقات نماز	۷۴
[اوقات نماز]	۷۵
احکام نماز فایت	۷۶
باب یاد کردن قبله	۷۷
یاد کردن آنچه روا بود به آن نماز کردن از مکان و لباس	۷۷
باب یاد کردن بانگ نماز و اقامت	۷۸
باب یاد کردن چگونگی نماز	۸۰
باب در فضیلت نماز جماعت	۸۲
باب در سحر روزه گشادن	۸۳
باب: الزکوة	۸۳
باب در اهل بغی	۸۴
باب [زکات]	۸۴
باب: خمس	۸۵
باب زکوة فطره واجب باشد	۸۶
کتاب صیام	۸۶
باب در بیان کیفیت نکاح	۸۷
باب خطبه نکاح	۸۸

فهرست مطالب / ۷

۸۹	باب روزه حرام
۹۰	باب سود [شفعه]
۹۰	یاد کردن سهو اندر نماز
۹۱	تلقین میت
۹۲	یاد کردن احکام جمعه
۹۴	باب یاد کردن نماز زنان و بیماران
۹۴	باب نماز برهنه
۹۵	باب نماز در کشتی
۹۵	باب نماز اندر خوف
۹۵	باب یاد کردن نماز عیدین
۹۷	باب نماز آفتاب و ماه گرفتن
۹۷	باب نماز باران خواستن
۹۸	نماز روز عید
۱۰۱	کتاب النکاح
۱۰۲	باب عقیقه
۱۰۲	آن کسان که حرام بود عقد بستن
۱۰۳	کتاب طلاق
۱۰۵	کتاب مکاسب
۱۰۶	کتاب المتاجر
۱۰۸	باب شرکت مضاربه
۱۰۹	باب ودیعت و عاریت
۱۰۹	باب یاد کردن مزارعت و اجاره
۱۰۹	کتاب قضاء

۸ / کفایۃ الانام در فقه فارسی از نیمه اول قرن هفتم هجری

- ۱۱۱..... کتاب الشهادات
- ۱۱۳..... باب الضمانات
- ۱۱۴..... باب یاد کردن ادب آب و نان خوردن
- ۱۱۴..... کتاب الایمان و النذر
- ۱۱۵..... کتاب الصيد و الذبایح
- ۱۱۶..... کتاب اطعمه و اشربه
- ۱۱۷..... کتاب الوقف
- ۱۱۸..... کتاب هبه
- ۱۱۸..... کتاب وصیت
- ۱۱۹..... کتاب المیراث
- ۱۲۰..... کتاب الحدود
- ۱۲۱..... باب یاد کردن حد لواطت
- ۱۲۱..... باب یاد کردن حد خمر و حد دزدی
- ۱۲۲..... باب یاد کردن حد دشتام
- ۱۲۲..... کتاب الدیات
- ۱۲۳..... منابع و مآخذ مقدمه و پاورقی ها

مقدمه در باب

جریان تفکر شیعی در ایران نیمه اول قرن هفتم هجری

(آثار و افکار محمد بن حسین بن حسن رازی آبی زنده در ۶۳۰)

مقدمه

از نظر جغرافیایی، در قرن ششم هجری، سه دسته از علمای شیعه را می توان از همدیگر جدا کرد.

الف: علمای عرب مقیم عراق که در بغداد، نجف و سپس حله مستقر بودند و مسیر علمی تشیع فقهی، کلامی، حدیثی و تاریخی شیعه در اختیار آنان بود.
ب: علمای شیعه حلب و برخی از مناطق شامات و جبل عامل بودند که برجسته ترین آنها کسانی از خاندان ابن زهره و شماری دیگر بوده و جریانی پیرو دقیق مکتب نجف و بغداد بودند.

ج: علمای ایرانی که به طور عمده در ری و سپس شهرهایی مانند سبزوار تا استرآباد و در این سوی قم تا آوه استقرار داشتند.

در این دوره تاریخی، علمای ایرانی دو میراث شیعی را در اختیار داشتند:
نخست میراث قم و ری بود که از قرن دوم به بعد شکل گرفته بود. این میراث

البته در قرن چهارم به دلیل افت اقتصادی شهر قم تا حدودی از میان رفت، اما بخش قابل توجهی به بغداد و ری منتقل شد. نهاد این انتقال، آمدن خاندان ابن بابویه به ری بود. چنان که انتقال آن به بغداد را می توان در کلینی مشاهده کرد.

دوم میراث مکتب بغداد و نجف بود که علمای ایرانی از آن بهره گرفتند، به طوری که بسیاری از آنان در قرن پنجم و ششم به عراق رفته، نزد علمای عرب تحصیل کرده، و به شهرهای خودشان در مرکز ایران باز می گشتند. سه منبع مهم برای شناخت این جریان ایرانی، نقض عبدالجلیل رازی در حوالی ۵۶۰، معالم العلماء ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) و الفهرست منتجب الدین رازی (حوالی ۶۰۰) است که اطلاعاتی در باره این اشخاص و برخی از مراکز علمی آنان در قم و ری در اختیار ما می گذارد.

آنچه از آن به عنوان میراث علمی علمای ایرانی شیعه می توان یاد کرد، برگرفته از دو میراث یاد شده و ترکیبی از آنهاست که در آثارشان انعکاس یافته است. طبعاً به مناسبت این که این سه مرکز شیعی با هم در ارتباط بود، می توان تصور کرد که نقل و انتقالات علمی و فیزیکی هم میان آنها صورت می گرفت. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) یک سر در ساری داشت و سر دیگر در حلب. چنان که برخی از آثار حلبی ها، مانند غنیۃ النزوع ابن زهره، توسط عماد الدین طبری در حوالی ۷۰۰ به فارسی ترجمه شد که به نام معتقد الامامیه، به کوشش محمدتقی دانش پژوه در سال ۱۳۳۹ ش منتشر شده است.

شناخت جریان علمی جاری در میان علمای شیعی ایران، با یک مشکل اساسی روبروست، و آن این است که بسیاری از آثار این گروه از میان رفته و تنها اندکی از

آنها برجای مانده که همان آنها نیز به خوبی شناسایی نشده است. برای مثال، توسط نویسندگان این سطور مطلبی مفصل در باره عماد الدین طبری (متوفای حوالی ۷۰۰) انتشار یافت که نشان می داد مسیر فکری بخشی از این جریان چگونه است. برخی از آثار وی تا همین اواخر انتشار نیافته بود، چنان که برخی دیگر هنوز هم ناشناخته است. نمونه دیگر تصحیح کتاب ذخیره الاخره (نیمه اول قرن ششم) و نزهة الزاهد (از ۵۹۸) از صاحب همین قلم و از همین مجموعه میراث بود که آن هم کمک زیادی به شناخت میراث علمی علمای ایرانی شیعه می کرد؛ البته نمونه های فراوان دیگری هم از این دوره هست، با این حال و همچنان ابهامات زیادی در باره نام و زندگی بسیاری از عالمان ایرانی این دوره وجود دارد. چنان که بخش قابل توجهی از آثار آنها در حمله مغول و پس از آن از میان رفته است.

در میراث علمی علمای ایرانی دو نکته وجود داشت:

نخست فارسی نویسی این عالمان بود که یک اصل اساسی در نگارشهای آنان بود. در واقع به رغم آن که نویسندگان شیعی ایران در قرن ششم، پیرو مکتب شیخ طوسی بودند و ارکان جامعه شیعی فارسی زبان در این قرن، تربیت شده مکتب نجف بودند؛ اما آنان در ایران، با گروهی از شیعیان ایرانی روبرو بودند که فارسی می نوشتند و می خواندند و عربی نمی دانستند. بنابراین چاره ای جز این که فارسی بنویسند نداشتند. البته برخی از عالمان بزرگ شیعی در همین دوره در ایران هم عربی می نوشتند که نمونه آن ابن شهر آشوب یا حمصی رازی (اوایل قرن هفتم) صاحب المنقذ من التقليد است.